

۱۸ نقد
در تراژوی

زندگی، نقد و تحلیل اشعار قیصر امین پور

همسایه افتاب

به اهتمام
مهدی فیروزیان



سرشناسه	: فیروزیان حاجی، مهدی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور	: همسایه آفتاب: زندگی، نقد و تحلیل اشعار قیصر امین پور / مهدی فیروزیان.
مشخصات نشر	: تهران: نشر سخن، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۱۶ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
فروست	: در ترازوی نقد؛ ۱۸.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: زندگی، نقد و تحلیل اشعار قیصر امین پور.
موضوع	: امین پور، قیصر، ۱۳۳۸-۱۳۸۶. — نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی — قرن ۱۴ — تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry – 20 th century – History and criticism :
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۸۷/م۶ PIR۷۹۶۲
رده‌بندی دیویی	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۲۱۳۹۳

همسایهٔ آفتاب



در ترازوی نقد

۱۸

همسایهٔ آفتاب

زندگی، نقد و تحلیل اشعار

قیصر امین‌پور

مهدی فیروزیان

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)



انتشارات سخن



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E.mail: Sokhanpub@yahoo.com

[Instagram.com/sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[Telegram.me/sokhanpub](https://t.me/sokhanpub)



در ترازوی نقد

۱۸

همسایه آفتاب

زندگی، نقد و تحلیل اشعار قیصر امین پور

مهدی فیروزیان

طرح روی جلد: مهنوش مشیری

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۵۶-۴



تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

یادداشت ناشر

می‌گویند یکی از علل آشفته‌گی قلمرو شعر ایران در سال‌های اخیر افزونی نقدهای شخصی و روزنامه‌گی است که نویسندگان آن نقدها با عبارت‌پردازی‌های انشاگونه و مبهم، صفحات بسیاری از کتاب‌ها و مجلات و روزنامه‌ها را پر می‌کنند و ساعت‌ها وقت خوانندگان را به هدر می‌دهند و هیاهوی بسیار بر سر هیچ به وجود می‌آورند. این نقدهای شخصی و غالباً دوستانه، کوچک‌ترین نقشی در ارزشیابی شعر معاصر نداشته است؛ خوشبینانه‌ترین داوری در حق آنها این است که حاصل اندیشه یک تن است و بازنویسی بخشی از شعرهای آن شاعر به نثری پر از درازگویی‌ها.

مجموعه کتاب‌های «در ترازوی نقد» تمهیدی است برای گریز از محیط گسترده و بی‌ژرفای آن گونه نقدها و کوششی برای تدوین یک رشته کتاب در حوزه نقد شعر معاصر که حاصل اندیشه جمع و گروه نخبگان این فن باشد؛ فضایی که در آن امکان خطا کمتر باشد و هر کتاب حاصل تأملات جمعی از منتقدان با دیدگاه‌های متفاوت و چشم‌اندازهای گوناگون.

علی اصغر علمی

فهرست مطالب

خون گرم و زنده شعر (مهدی فیروزیان)	۱۳
سال شمار	۲۸

۱. نقد و بررسی ها..... ۳۳

۱. ویژگی های شعر قیصر امین پور (عزت الله فولادوند)	۳۵
۲. نقدی بر شعر قیصر (وحید عیدگاه طرهبه ای)	۸۵
۳. شگردهای ایهام پردازی در شعر قیصر (زهرا علی نوری)	۱۲۹
۴. هنجارگریزی در شعر قیصر (مهسا کاظمی)	۱۷۵
۵. موضوع و مضمون در شعر نوجوان قیصر (هما میوانی)	۱۹۳
۶. قیصر امین پور و پارادوکس سنت نوآوری (محمود فتوحی رودمعجنی)	۲۳۷
۷. قیصر و نثر ادبی (مهدی فیروزیان)	۲۵۱
۸. قیصر و وزن (مهدی فیروزیان)	۲۸۱
۹. قیصر و مرگ (مهدی فیروزیان)	۳۸۳

۲. یادکردهای کوتاه..... ۴۲۵

۱. احمد رضا احمدی	۴۲۷
۲. محمدرضا اشراقی	۴۲۷
۳. علیرضا افتخاری	۴۲۸
۴. شهرام اقبالزاده	۴۲۸
۵. آیه امین پور	۴۲۹
۶. اسماعیل امینی	۴۳۰
۷. سیمین بهبهانی	۴۳۰

۸. سعید بیابانکی ۴۳۰
۹. تقی پورنامداریان ۴۳۱
۱۰. یدالله ثمره ۴۳۱
۱۱. مسعود جعفری ۴۳۲
۱۲. حسن حبیبی ۴۳۲
۱۳. ابوالفضل حیدر دوست ۴۳۳
۱۴. یعقوب حیدری ۴۳۳
۱۵. بهاءالدین خرماهی ۴۳۳
۱۶. عباس خوشدل ۴۳۴
۱۷. مصطفی رحمان دوست ۴۳۴
۱۸. علی اکبر زین العابدین همدانی ۴۳۵
۱۹. حمید سبزواری ۴۳۵
۲۰. حسام الدین سراج ۴۳۶
۲۱. هادی سعیدی کیاسری ۴۳۶
۲۲. احمد سمیعی (گیلانی) ۴۳۷
۲۳. رضا سید حسینی ۴۳۷
۲۴. محمود شاهرخی ۴۳۸
۲۵. محمد جواد شاهمرادی (آسمان) ۴۳۸
۲۶. شهرام شفیعی ۴۳۹
۲۷. محمدرضا شفیعی کدکنی ۴۴۰
۲۸. محمد شمس لنگرودی ۴۴۰
۲۹. آتوسا صالحی ۴۴۱
۳۰. مسعود علیا ۴۴۱
۳۱. مصطفی علی پور ۴۴۲
۳۲. فریدون عموزاده خلیلی ۴۴۲
۳۳. مهدی فیروزان ۴۴۳

۴۴۳	۳۴. محمد قوچانی
۴۴۴	۳۵. مرتضی کاخی
۴۴۴	۳۶. مژگان کلهر
۴۴۴	۳۷. رودابه کمالی
۴۴۵	۳۸. مهدی محبتی
۴۴۶	۳۹. سجاد محقق
۴۴۶	۴۰. سهیل محمودی
۴۴۶	۴۱. مظاهر مصفا
۴۴۷	۴۲. علی معلّم دامغانی
۴۴۷	۴۳. نورا ملکی
۴۴۸	۴۴. سید مصطفی موسوی
۴۴۸	۴۵. سید علی موسوی گرمارودی
۴۴۹	۴۶. عرفان نظر آهاری
۴۴۹	۴۷. ساسان والی زاده
۴۴۹	۴۸. صدیقه وسمقی

۳. سروده‌هایی در ستایش و سوگ قیصر..... ۴۵۱

۴۵۳	۱. غم بی قیصری (ساعد باقری)
۴۵۴	۲. او شعر بود (محمد علی بهمنی)
۴۵۵	۳. آبروی چمن (سعید بیابانکی)
۴۵۷	۴. به هوای تو (ارشامه تافته)
۴۵۸	۵. کتاب ایوب (محمد رضا ترکی)
۴۵۹	۶. بغض‌ها (محمد رضا ترکی)
۴۶۰	۷. قیصر سرزمین شعر (سید حسن حسینی)
۴۶۰	۸. دروغ است (مرتضی حنیفی)
۴۶۱	۹. ای دریغ (محمد خلیلی)

۱۰. چشمان سه‌شنبه (محمد خلیلی) ۴۶۳
۱۱. ناگهان چه قدر زود (ابوالفضل زرویی نصرآباد) ۴۶۴
۱۲. ای اشک ما را سبک کن (جواد زهتاب) ۴۶۵
۱۳. دنیای بی‌قیصر (محمدرضا طاهری) ۴۶۶
۱۴. مسیح خسته من! (عباس عبادی) ۴۶۸
۱۵. خورشید باد در مصر معنا غنودن (افشین علاء) ۴۷۰
۱۶. همین دیروز (خلیل عمرانی) ۴۷۲
۱۷. که گفت گل بشوی؟ (مریم عندلیب) ۴۷۴
۱۸. عمر (وحید عیدگاه‌طرقه‌ای) ۴۷۵
۱۹. به بهت کوچ تو (وحید عیدگاه‌طرقه‌ای) ۴۷۶
۲۰. همسایه آفتاب (مهدی فیروزیان) ۴۷۸
۲۱. این بار نیستی (مهدی فیروزیان) ۴۷۹
۲۲. تابوت و ترمه (عبدالجبار کاکایی) ۴۸۱
۲۳. تو عاشقانه‌ترین زیستی (جواد محقق) ۴۸۲
۲۴. ناگهان او را به نام کوچکش خواندند (محمدرضا محمدی‌نیکو) ۴۸۳
۲۵. آمیزه لبخند و درد (داریوش مفتخر حسینی) ۴۸۵
۲۶. نشان هشیاری (سید علی موسوی گرمارودی) ۴۸۷
۲۷. این دسته گل برای تو نیست (محمدسعید میرزایی) ۴۸۸
۲۸. بلند شو نگاه کن! (هادی نایینی) ۴۹۰
۲۹. این مرد نام دیگرش دردست (محمدحسین نعمتی) ۴۹۲
۳۰. دردهایت هنوز دامنه دارد (قربان ولیی) ۴۹۴

۴. کتاب‌شناسی ۴۹۷

۵. نمایه ۵۹۹

۶. قیصر به روایت عکس ۶۰۹

خون گرم و زنده شعر

با گذشت ۱۰ سال از درگذشت زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور، گاه آن رسیده است که به دور از فضایی احساسی که پس از مرگ زود هنگام وی در میان دوستدارانش پدید آمده بود، کارنامه ادبی و هنری اش را بررسی کنیم و با شناخت او و شیوه سخنوری اش، جایگاه او را در میان شاعران روزگار آشکار سازیم.

جایگاه هر شاعر و نویسنده را نخست می‌باید در سنجش با هم‌روزگاراناش آشکار ساخت و سپس با پیش چشم آوردن وضع روز و روزگار او، کارش را با سخن‌سرایان تاریخ ادبیات سنجید. آنچه در آن جای چون و چرا نیست برجستگی قیصر در میان سخنوران هم‌روزگار خویش است. به گواهی بسیاری از سخن‌سنجان و پژوهشگران سرشناس و نیز رویکرد گسترده مردم، قیصر یکی از سرآمدان شعر پارسی در سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که خون گرم و زنده شعرش در رگ‌های خشکیده جریان‌های ادبی سه دهه گذشته شوری تازه روان کرده است. رسیدن به همین اندازه از کامکاری نیز برای آن‌که کارنامه او را شایسته درنگ و بررسی بدانیم بسنده است. کتابی که در دست دارید کوششی است در این راه و امیدواریم گامی رو به جلو باشد.

گزارشی گزیده از شعر و زندگی قیصر

قیصر امین‌پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸)، شاعر، ترانه‌سرا، نویسنده، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، سردبیر ماهنامه ادبی-هنری سروش نوجوان، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زندگانی کوتاه اما پرباری داشت. او که در دومین روز از ماه دوم سال زاده شد و در هشتمین روز از ماه هشتم سال درگذشت، کم‌تر از نیم‌سده در میان ما زیست و توانست در درازنای نزدیک به ۳۰ سال سخنوری (۱۳۵۷-۱۳۸۶) خوانندگان بسیاری را به سوی هنر خویش بکشد. از آن‌جا که دو دهه نخست زندگی او در گتوند، بخشی دورافتاده میان دزفول و شوشتر در استان خوزستان، به‌دور از امکانات شهرهای بزرگ گذشت، زمینه بالیدن و پیشرفت برایش فراهم نبود. او که در زمینه ادبیات راهنمایی راهگشا پیرامون خود نمی‌یافت و کتاب‌های شعر چندان نیز در دسترس نداشت، در آغاز به راه نقاشی کشیده شد و در آن به چیرگی رسید؛ تا آن‌جا که در نوجوانی آینده خود را جز با نقاشی در پیوند نمی‌دید («حرف آخر عشق»، ص ۳۳). دهه سوم زندگی‌اش نیز با تب و تاب انقلاب اسلامی، تعطیلی چندساله دانشگاه‌ها (انقلاب فرهنگی) و دشواری سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق با ناآرامی گذشت. او با دریغ نزدیک به یک دهه پایانی زندگی را نیز در رنجوری و بیماری گذراند. از کار افتادن کلیه و نیز کلیه پیوندی، سختی دیالیزهای دردناک، ناراحتی قلبی و عمل قلب باز و رفت‌وآمد همیشگی به بیمارستان و بستری شدن‌های پیاپی برای او تاب و توانی برجای نهماده بود تا چنان‌که می‌خواست به آسودگی بخواند و بنویسد. تنها دهه چهارم زندگی او با آسایش و آرامشی نسبی همراه بود و می‌توان گفت امین‌پور کمابیش همه گام‌های بزرگ و اثرگذار در زمینه کار و زندگی را نیز در همان دهه برداشت:

بستن پیمان زناشویی (۱۳۶۹) و پدر شدن (۱۳۷۴).

آغاز تدریس در دانشگاه الزهراء (۱۳۶۷) و دانشگاه تهران (۱۳۶۹).
دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۶۹) و دکتری (۱۳۷۶).
نگاشتن دو کتاب پژوهشی سنت و نوآوری در شعر معاصر و شعر و کودکی، که هرچند سال‌ها پس از نگارش به چاپ رسیده‌اند (به ترتیب ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵)، هر دو در همین دهه نوشته شده‌اند. نخستین کتاب، پایان‌نامه دکتری قیصر و دومین کتاب، تکلیف او در درس «مکتب‌های ادبی» استاد شفيعی کدکنی در دوره دکتری بوده است.
سرودن ترانه‌های دو مجموعه درخشان نیلوفرانه یک (۱۳۷۴) و نیلوفرانه دو (۱۳۷۸) با آهنگسازی نصرت‌الله گلپایگانی^۱ و عباس خوشدل و خوانندگی علیرضا افتخاری که نام و آوازه قیصر را بسیار بلندتر از پیش ساخت و او را به جایگاه یکی از بزرگ‌ترین ترانه‌سرایان روزگار رساند.
انتشار چهار کتاب مثل چشمه، مثل رود (۱۳۶۷)، بی‌بال پریدن (۱۳۷۰)، گفتگوهای بی‌گفت‌وگو (۱۳۷۰) و به قول پرستو (۱۳۷۵) در

۱. هرچند در شناسنامه کار نامی از وی نرفته و عباس خوشدل تنها آهنگساز مجموعه شمرده شده است، با جستجوی نگارنده و به دست آمدن سند دیداری و شنیداری از روزگار پهلوی، آشکار شد دست‌کم دو آهنگ از نیلوفرانه یک ساخته زنده‌یاد نصرت‌الله گلپایگانی است. نخستین آهنگ، «کوی بی‌نشان» (ای غم ای همدم دست از سر دل بردار...) است که پریوش ستوده پیش از افتخاری، آن آهنگ را با ترانه‌ای از ابراهیم صفایی به نام «باران» (امشب از چشمم باشد رخ مه پنهان...) خوانده بود و دیگری، «نیلوفرانه» (خدایا عاشقان را با غم عشق آشنا کن...) است که نادر گلچین با ترانه‌ای از صفایی و نام «نوای کاروان» (نوای کاروان امشب زند آتش به جانم...) به اجرای آن پرداخته بود. خوشدل تنها تنظیم‌کننده این دو آهنگ بوده است. هرچند در اجرای نخست روزگار پهلوی نام گلپایگانی در آغاز برنامه برده می‌شود، خوشدل در هنگام انتشار نیلوفرانه و سال‌ها پس از درگذشت گلپایگانی آوردن نام آهنگساز را فراموش کرده است. بر پایه این فراموش‌کاری و همچنین با دیدن همانندی ساختاری آشکاری که میان دو آهنگ یادشده با برخی آهنگ‌های دیگر از نیلوفرانه دیده می‌شود، دور نیست اگر بپنداریم آهنگساز همه یا برخی ترانه‌های دیگر نیز گلپایگانی بوده است؛ اما از آن‌جا که تا کنون (جز درباره دو آهنگ نام‌برده که بی‌چون و چرا ساخته گلپایگانی‌اند) سندی استوار به دست نیامده، ناچار خوشدل را باید آهنگساز دیگر ترانه‌ها دانست.

زمینه شعر و نثر نوجوانان.

گذراندن پربارترین و پرکارترین سالیان سردبیری در سروش نوجوان. ۱۰ سال از ۱۵ سالی که قیصر سردبیر این ماهنامه بود (۱۳۸۲-۱۳۶۷) در این دهه (۱۳۷۸-۱۳۶۸) گذشته است. در پیش و پس این سال‌ها، سال نخست و آغاز کار، بیش‌تر به تجربه‌اندوزی گذشت و چند سال پایانی نیز با کارشکنی‌ها و دشواری‌های گوناگون همراه بود که سرانجام به کناره‌گیری دلخورانه قیصر انجامید.

از همه مهم‌تر این‌که قیصر بهترین شعرهای سالیان شاعری و بیش‌تر شعرهای خوب خود را در این دهه سروده است. کتاب آینه‌های ناگهان (۱۳۷۲) در این دهه به چاپ رسیده و دارای دو دفتر است. دفتر نخست که دربردارنده سروده‌هایی پخته‌تر از دفتر دوم است، در میان سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ پدید آمده است. همچنین هرچند گل‌ها همه آفتابگردانند در سال ۱۳۸۰ منتشر شده بیش‌تر شعرهای آن در دهه چهارم زندگی قیصر (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸) سروده شده است.

چنان‌که می‌بینید بیشینه آن‌چه قیصر را قیصر کرده در همین دهه پدید آمده است. او در این یک دهه پربار بسیار خواند و بسیار نوشت (هرچند نوشته‌هایش در سنجش با خواننده‌هایش، اندک بود) و بسیار کار کرد. با این آگاهی‌هاست که دریغ ما از کوتاهی زندگی او و بسیاری دشواری‌ها و آشفته‌گی‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو بود دوچندان می‌شود.

قیصر که در دو شاخه بزرگ سال و نوجوان به سرودن شعر و نوشتن نثر می‌پرداخت، سخنوری گزیده‌گوی بود. شمار بیت‌های مجموعه کامل اشعار قیصر/امین‌پور^۱ به هزار بیت نمی‌رسد و شمار شعرهای نیمایی او (۱۲۱ شعر) نیز با حجم آن‌ها سازگاری چندانی ندارد؛ زیرا بسیاری از

۱. در چاپ نخست تنفس صبح و در کوچه آفتاب شعرهایی هست که قیصر آن‌ها را شایسته بازچاپ ندیده و از همین‌رو در مجموعه کامل اشعار او، که پس از درگذشتش گردآوری شده، نیامده است. آن شعرها را به‌شمار نیاوردیم.

سروده‌های نیمایی او کوتاه هستند؛ به‌ویژه در واپسین دفتر شعرش، دستور زبان عشق، کوتاهی شعرهای نیمایی چشمگیر است؛ بدان‌سان که ۲۳ شعر^۱ در ۱۳ برگ کتاب، که بخش بیش‌تر آن برگ‌ها سپید مانده، گنجیده است. او همچنین ۴۰ شعر برای نوجوانان سروده است.

کارنامه هشت‌ساله ترانه‌سرایی قیصر (۱۳۸۱-۱۳۷۴) دارای ۲۱ ترانه است. ترانه‌های او که با همین شمار اندک اثرگذاری بسیار داشته‌اند، روی آهنگ‌هایی از شش آهنگساز (عباس خوشدل، نصرت‌الله گلپایگانی، همایون خرم، محمدجواد ضرابیان، محمد اصفهانی و شهرام حسن‌زاده) و برای دو خواننده (علیرضا افتخاری و محمد اصفهانی) ساخته شده‌اند.^۲ او در ترانه‌سرایی با شکیب و پشتکار بسیار، ساختارهای گوناگون نحوی، واژگانی، موسیقایی، قافیه‌ای، تصویری، ایهامی و... را پیش چشم می‌آورد، می‌آزمود، به‌کار می‌گرفت و بارها هماهنگی سروده خود را با الگوی ریتمیک آهنگ می‌سنجید و تا نرسیدن به ریخت برتر، که نمایی ساده و ساختی پیچیده داشت، دست از کار نمی‌کشید و به کم‌تر از آن خرسند نمی‌شد.

شاعری با توان سخنوری قیصر که بر زبان و واژه‌ها و وزن و قافیه چیرگی درخور داشت، اگر به شیوه بسیاری از شاعران دیروز و امروز آسان‌گیر و خودپسند می‌بود، بی‌هیچ لاف و گراف می‌توانست در هر هفته هزار بیت را به نظم درآورد. پس چرا شمار بیت‌هایی که در مجموعه کامل اشعار قیصر/امین‌پور آمده است (با کنار نهادن شعرهای نیمایی) به هزار

۱. هرچند در فهرست شعرهای دستور زبان عشق، ۲۴ شعر نیمایی آمده است، از آن‌جا که شعر «همین که گفتم» (ص ۲۷) تک‌بیت به‌شمار می‌رود شمار شعرهای نیمایی کتاب ۲۳ خواهد بود.

۲. خواست ما از ترانه‌سرایی، نهادن سخن بر آهنگ است، وگرنه بر شعرهای قیصر آهنگ‌های بسیاری ساخته شده که خوانندگان گوناگون از جمله بهرام سارنگ، محمد معتمدی، صدیق تعریف، حسام‌الدین سراج، علیرضا قربانی، ناصر عبداللّهی، علی تفرشی، وحید تاج، حجت اشرف‌زاده و... آن‌ها را خوانده‌اند و نگارنده در جستاری جداگانه «ای عشق زمین و آسمان آیه توسل»، ص ۱۹-۱۳ از آن‌ها یاد کرده است.

نمی‌رسد؟ این از آن‌روست که وی پس از آزموده نخست در کار چاپ دو دفتر شعر در کوچه آفتاب و تنفس صبح (هر دو ۱۳۶۳) در ۲۵ سالگی، بیش از پیش سختگیر و باریک‌اندیش شد و افزون بر آن‌که هر سخنی را به شعر در نمی‌آورد و گذشته از ویرایش شعرهایی که می‌سرود، شعرهایی را که پس از ویرایش نیز نغز و دلاویز نمی‌یافت، بی‌گذشت و با فروتنی، کنار می‌نهاد. دیگر دفترهای شعر قیصر به‌راستی «گزیده اشعار» او هستند. یکی از رازهای کامکاری کسی که به‌گواهی پژوهشگران با دیوانی کوچک سرآمد شاعران پس از انقلاب اسلامی است و همچنین با ۴۰ شعر از برجسته‌ترین شاعران شعر نوجوان و با ۲۱ ترانه از برترین ترانه‌سرایان موسیقی ایرانی است در همین گزین‌گویی، سختگیری و نکته‌دانی است. قیصر امین‌پور فرزند زمان خود بود. روزگار شکوفایی و جوانی وی با انقلاب اسلامی همراه شد. او نیز در جایگاه مسلمانی باورمند همچون بیش‌تر مردم ایران در آن روزگار آرمان‌های انسانی و دینی خود را در انقلاب جست و به آن دل سپرد. پس از آن چون میهنش گرفتار جنگی ناخواسته شد، شعرش را زبان‌گویای مردم ساخت و از جنگ سرود. سپس چون روزگار سازندگی و سپس‌تر اصلاحات رسید بدین پویه‌ها دل بست. از این‌رو او را، چنان‌که گفتیم، باید فرزند زمان خویشتن و شاعری همیشه مردمی (و نه دولتی، رسانه‌ای یا جشنواره‌ای) به‌شمار آورد؛ زیرا او به سوی چرب‌زبانی و ستایش‌پردازي شاعران «یک‌نانی»^۱ گرایش نداشت. آزاده‌ای بی‌نیاز و ایستاده‌ای سرفراز بود که غم مادی و معنوی مردم را می‌خورد و از آن شاعرکان نبود که، به گفته خودش، جز غم خوردن نمی‌خورند.^۲ پشتیبانی دولتی از او، که زبان‌گویای مردم انقلابی بود، طبیعی است؛ ولی نباید پنداشت که او خود سودجویانه خواهان پشتیبانی بوده است. راه یافتن

۱. چشمه حکمت که سخن‌دانی است

آب‌شده زین دو سه یک‌نانی است (مخزن الاسرار، ص ۴۱)

۲. غم می‌خورند شاعرکان مثل آب و نان

اما دریغ جز غم خوردن نمی‌خورند (ص ۱۸۲)

شعرهایش به کتاب‌های درسی، که خواه ناخواه هم او را بلندآوازه‌تر از پیش ساخت و هم بدبینی یا رشک گروهی را برانگیخت، نه به درخواست و نه حتی به خواست او بود.

نکته مهم در شناخت قیصر امین‌پور آن است که او در هر دو دوره برونگرایی (سال‌های آغازین انقلاب و جنگ همراه با آرمان‌خواهی و جوش و خروش) و درونگرایی (سال‌های فرونشستن تب و تاب انقلاب و جنگ و پرداختن به کار دانشگاهی و رسیدن به میانه‌روی و خردورزی و یافتن گونه‌ای روحیه عرفانی) زندگی و شاعری خویش، راست‌گفتار و راست‌کردار بود و از باورهای خود و برای دل خود می‌سرود. در سال‌های آغازین پس از انقلاب اسلامی اندیشه ساختن جهانی آرمانی بر پایه ارزش‌های انسانی آرزوی هر جوان آگاه و پرشور بود و قیصر در همین راه قلم می‌زد. در سال‌های جنگ، جان قیصر با دیدن رنج مردم همچون هر جان‌بیداری برمی‌آشفته و دیدن جانفشانی‌های فرزندان ایران برای پاسداری از میهنشان او را به ستایش و امی داشت. در سال‌های سپسین با فرونشستن تب و تاب انقلاب و جنگ، قیصر همچنان باورمندانه ارزش‌های خود را می‌جست و می‌کوشید آرمان‌هایش را با واقع‌گرایی و خردورزی دنبال کند. او هرگز چرخشی از آن دست که برخی درباره‌ی وی گفته‌اند نداشت و از ارزش‌های خود روی نگرداند. قیصر در هر دوره سازگار با وضعیت اجتماعی، از راهی به دنبال رسیدن به آرمان‌هایش بود. درست است که در دوره دوم با دیدن شکافی که میان آرمان خود و واقعیت یافت، چندی دچار سرخوردگی شد و چندی دیگر به گوشه‌تنباهی خود پناه برد؛ اما باور به ارزش‌های دینی و انسانی، اندیشه اصلاح و درد معنویت و اجتماع همواره با او بود و در سروده‌هایش بازتاب می‌یافت. سروده‌های او در سراسر سال‌های سخنوری چیزی جز فریاد برآمده از نهاد مردم نبوده است؛ زیرا درد او «درد مردم زمانه است» (ص ۲۴۱). قیصر امین‌پور هرگز چیزی را بر خود نبست. «دانش و آزادگی و دین و مروت» را «بنده‌درم»

نکرد و خود بنده مصلحتی نشد. ایمان خود را به ننگ نیالود و به نان نفروخت و راست و درست بود اگر می‌سرود: «این ترانه بوی نان نمی‌دهد» (ص ۳۰۹) و همچنین با همین باور «به دوستان هنرمند» خویش می‌گفت: این حنجره این باغ صدا را نفروشید
این پنجره این خاطره‌ها را نفروشید (ص ۶۶)

او جهان و جهانیان را چون برخی به «با ما» و «بر ما» بخش نمی‌کرد. چون می‌دید گروهی به نام راستی و درستی اما با ناراستی و نادرستی به اخوان ثالث می‌تازند از او پشتیبانی می‌کرد و در جای دیگر فروغ فرخزاد را خواهر خود می‌خواند (ص ۱۱۴). هرچند چندی در سالیان جوانی، چنان‌که افتد و دانی، شور و شتابی از خود نشان داد، پس از آن با تندروی میانه‌ای نداشت و آرامش و مهر را پیشه خود ساخته بود. چند بار چوب آزاداندیشی و میانه‌روی‌های خود را خورد؛ چرا که به هیچ سویی جز «صراط مستقیم» راستی و درستی گرایش نداشت؛ هرچه بود راست و درست خودش بود و بازی‌ها و گروه‌بندی‌های چپ و راست را برنمی‌تافت:

رو به سوی تو مستقیم، دلم
این طرف آن طرف ندانستم

جز همین زخم خوردن از چپ و راست
زین طرف‌ها چه طرف بریستم؟

جرم این بود: من خودم بودم!

جرم این است: من خودم هستم! (ص ۲۲۴)

از حوزه هنری و سروش نوجوان که خود از پایه‌گذاران آن‌ها بود به تلخی جدا شد؛ زیرا نمی‌توانست در برابر کژی‌ها و کاستی‌های فرادستان خاموش بماند و سازشکاری کند. در چنین جایگاه‌هایی گردن‌فراز و سرکش بود و سر در برابر کسی فروود نمی‌آورد؛ ولی در زندگی، با

فرودستان و دوستان و دوستداران و شاگردانش چون خاک بود؛ افتاده و رام و سربه‌زیر و فروتن.

وارستگی، درست‌کاری و انسان بودن را هنر راستین می‌دانست و به دانش و آوازه یا شاعری و هنرهای دیگر خود نمی‌نازید؛ باورمندانه می‌گفت:

دیگران اگر که خوب، یا خدا نکرده بد

خوب من چه کرده‌ام؟ شاعرم که شاعرم! (ص ۳۸)

سینه‌ای گشاده و چهره‌ای گشوده داشت. از همین‌روی پس از درگذشتش سوگواران او کسانی از گروه‌هایی یک‌سره ناساز بودند که هیچ‌کس گمان نمی‌کرد روزی بتوان آن‌ها را در جای و جایگاهی با هم گرد آورد و در کار و میدانی با یکدیگر همداستان دید. آیین همراهی پیکر او از خانه شاعران تا دانشگاه تهران با شکوهی کم‌مانند به انجام رسید. نرم‌خویی، میانه‌روی، فروتنی، مهربانی، دلسوزی، کوششگری، از خودگذشتگی، خوش‌سخنی و شیرین‌گفتاری از ویژگی‌های برجسته آن فرزانه‌مرد هوشمند بود.

درباره کتاب

بنیاد کار در کتاب‌های مجموعه «در ترازوی نقد»، گزینش و گردآوری نقدهایی ارزشمند است که پژوهشگران برجسته درباره یک شاعر نوشته‌اند؛ اما در کتابی از این مجموعه که پیش‌تر به کوشش نگارنده به چاپ رسیده بیش‌تر جستارها تازه‌چاپ بودند و به دست نگارنده و دیگر نویسندگان برای چاپ در همان کتاب، به رشته نگارش درآمده بودند. آن کتاب *از ترانه و تندر (زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی)* نام داشت و انگیزه ما از برگزیدن چنین روشی در آن‌جا آن بود که هیچ کتابی پیش از کار ما درباره منزوی منتشر نشده بود^۱ و مقاله‌های ارزشمندی که

۱. «چهار سال پس از آن، نازخند صبحی در کتابی با نام *از رنج تا شکنج*، دست غارت

درباره وی نوشته بودند نیز بسیار اندک بود. منزوی، شاعری منزوی و تا اندازه‌ای چشمگیر ناسازگار با مردم و روزگار بود و شاید از همین رو تا پیش از مرگش سخن چندانى درباره او گفته نشد. خوشبختانه پس از چاپ *از ترانه و تندر*، بازار منزوی پژوهی گرم شد و اکنون کتاب‌ها و مقالات بیش‌تری در این زمینه نوشته شده است. در برابر منزوی، سازگاری قیصر با مردم و روزگار، که محبوبیت کم‌مانندی برای او به ارمغان آورده بود، و همچنین همراهی او با جریان انقلاب اسلامی که پشتیبانی دولتی از شعرش را در پی داشت، زمینه‌ساز نوشته شدن مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های بسیار درباره او شد^۱. باید گفت اگر در *از ترانه و تندر* نبود یا کمبود نقدهای دانشورانه ما را به راه نگارش نقدهای تازه کشاند، در کتاب پیش‌رو انبوه نقدها و نقدنماهای دانشگاهی و غیردانشگاهی که بسیاری از آن‌ها ارج چندانى نداشتند ما را ناگزیر از به‌کار بستن همان روش پیشین ساخت. همسایه آفتاب دربردارنده چند جستار از نگارنده و مقالاتی به قلم گروهی از پژوهشگران است که همگی به خواستاری و ویراستاری نگارنده نگاشته و چاپ شده‌اند. کوشیده‌ایم در زمینه نقد سروده‌ها و شناخت قیصر امین‌پور گامی رو به جلو برداریم و سخنی تازه بگوییم. در آشفته‌بازار نقد شعر امروز که هر کس از سویی «کوس نقادی زند در پیش خلق»^۲، یافتن

به مقالات کتاب *از ترانه و تندر* گشود و چند مقاله از آن کتاب را با نام نویسندگان آن‌ها ولی بی‌یادکرد منبع و با ادعای این‌که مقالات برای کتاب وی نوشته شده‌اند به چاپ رساند. بدتر آن‌که چند مقاله را نیز با حذف نام نویسندگان آن‌ها، به نام خود یا دیگران به چاپ رساند. در همه این نمونه‌ها جابه‌جا کردن جمله‌ها و افزودن غلط‌های نگارشی و ویرایشی و چاپی به آن‌ها و بریدن رشته سخن و بی‌معنی ساختن گزاره‌ها هم نمودی آشکار دارد» («سرقت علمی گسترده در یادنامه منزوی»، ص ۲۱۳).

۱. برای دریافتن کمی و بیشی نوشته‌های پیرامون شعر منزوی و امین‌پور، همین بس که کتاب‌شناسی کوچک منزوی (*از ترانه و تندر*، ص ۵۸۴-۵۷۳) را با کتاب‌شناسی پربرگ و بار قیصر در کتاب پیش‌رو (که گردآوری آن ماه‌ها زمان برد و با همه تلاشی که نگارنده به‌کار بست باز هم نمی‌توان گفت کامل است) بسنجید.

۲. مصرعی از قصیده «آخرین حرف» سروده مهدی حمیدی شیرازی است (دیوان